کرنش مجازی به حافظ شیرازی

گونتر اوکر، هنرمند آلمانی مجموعه کرنش به حافظ را با برداشت از خاطرات سفر اول خود به ایران خلق کرده و از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ درهشت شهر ایران از جمله شیراز، تهران، اصفهان، کرمان، مشهد، رشت، بوشهر و کیش به نمایش گذاشته است. اوکر پس از نمایش آثارش در هشت شهر ایران تصمیم گرفت از هر شهر یک هنرمند را برای همراهی این پروژه هنری انتخاب و همراه نمایشگاه کرنش به حافظ از هر هنرمند یک اثر را در کنار آثار خودش در مرزهای اروپا به نمایش بگذارد. گویا قرار بوده نمایشگاه ۸ خرداد در آلمان برپا شود و هنرمندان ایرانی نیز اوکر را در این رویداد همراهی کنند؛ ولی به دلیل شرایط پیش آمده از شیوع کرونا، نمایشگاه در تاریخ مقرر در آلمان برگزار خواهد شد. به گفته هادی مظفری، مدیرکل هنرهای تجسمی هنرمندان ایرانی از طریق فضای مجازی و به صورت زنده در این نمایشگاه که ۸ خرداد ماه مصادف با ۲۸ می ۲۰۲ در موزه گوته در دوسلدورف به نمایش در خواهد آمد، همراهی خواهند کرد. / مهر

پویایی مجازی در غیبت برنامه‌های فرهنگی

مروری بر رویدادهای هنر و ادبیات در هفته‌ای که گذشت

رویداد هفته، داستان تلخ رومینا

خانه پدری؛ نسخه تالشی

کیانوش عیاری ذاتا آدم بی‌حاشیه‌ای است و شخصیتش نسبتی با جار و جنجال ندارد. با این حال سرنوشت فیلم‌های بیدار شو آرزو، خانه پدری، کاناپه و جنجال‌ها و حاشیه‌های پیرامون آنها، نشان داد که حتی فیلمساز آرامی چون عیاری هم می‌تواند خبرساز شود. در این میان خانه پدری سرنوشت عجیب‌تر و نامتعارف‌تری داشت و با سه بار توقیف و رفع توقیف، قابلیت ثبت در کتاب رکوردهای گینس را دارد. شیوه نمایش صریح و بی‌پرده قتل ناموسی که اوایل فیلم رخ می‌داد، مهم‌ترین دلیل برخی ملاحظات و مخالفت با اکران عمومی فیلم بود.

خانه پدری سرانجام به شکل محدودی به نمایش درآمد و کمی بعد هم نسخه قاچاق آن دست به دست شد، اما به‌تازگی اتفاقی در یکی از شهرهای شمالی کشور رخ داد که باردیگر نام خانه پدری را بر سر زبان‌ها انداخت.

از روزی که خبر قتل رومینا به دست پدرش منتشر شد، کاربران زیادی در صفحات فضای مجازی، این ماجرای تلخ را با جنایت خانه پدری مقایسه کردند و به شیوه‌های مختلف از شباهت‌های رومینا و ملوك نوشتند. این خبر دردناك همراه واکنش کنایه‌آمیز عیاری و گفتن جمله «این اتفاق‌ها در ایران نمی‌افتد، من این شایعات را باور نمی‌کنم.» باردیگر باعث شد این فیلمساز معمولا بی‌حاشیه، دوباره در راس اخبار سینمایی قرار بگیرد. اگر یادتان باشد، عیاری کمی قبل با امضای نامه آزادی سیدمحمد امامی، تهیه‌کننده شهرزاد که متهم به فساد اقتصادی است، نیز خبرساز شده بود. می‌بینید! عجیب است که باوجود این خبرهای هرازگاهی، همچنان اصرار داریم عیاری را فیلمساز آرام و بی‌حاشیه‌ای بدانیم.

چهره دوم هفته، محسن چاوشی

من حالم خییلی خوبه

باز هم محسن چاوشی و حاشیه... این خواننده موفق که همیشه حاشیه‌سازی رسانه‌ای را خوب بلد بوده، این روزها در مقایسه با گذشته حواشی به مراتب بیشتری دارد. همین هفته بود که خطاب به هوادارانش که منتقد ترانه «شدت میدان» بودند، نوشت: دوران سیاه و پوچ «دیوار بی‌در» و «عمو زنجیرباف» گذشته... البته پاسخ او طولانی‌تر بود اما حرف اصلی همین است که برایتان نوشتیم. می‌توان این اتفاقات اخیر را از چند زاویه مختلف نگاه کرد. اول این‌که چاوشی می‌خواهد شعرهایش به رسمیت شناخته شود. او مدتی است شعر را تجربه می‌کند و طبعا دوست دارد در این عرصه هم به اندازه خوانندگی و آهنگسازی موفق باشد و هوادارانش او را بپذیرند. نکته بعدی را هم باید در حال و هوای تازه‌ای دید که به نظر می‌رسد چاوشی دارد و آن را در پاسخ هواداران منتقدش هم بیان کرده است. این خواننده سعی می‌کند با سبك و سیاق مولانا شعرهایش را بسراید و حال و هوایی پر از امید و روشنی و زندگی داشته باشد. اگر این‌طور باشد هم باید خوشحال بود برای خواننده‌ای که خواندن از نهایت شب و تیرگی را شروع کرد و حالا دنبال راهی است که به همه بگوید دیگر نه از نهایت شب، بلکه از روز و روشنی خواهد خواند. امیدواریم چاوشی بتواند در این مسیر تازه خودش را پیدا کند، شعرهای قوی‌تری بسراید و حال دلش خوب خوب باشد.

درگذشت‌های هفته؛ کیانفر و اخوان لنگرودی

مرگ متین

این هفته یك بازیگر و یك ادیب را از دست دادیم که هر دو انسان‌هایی با اصالت و متین بودند؛ صدیقه کیانفر که چند وقتی از او خبری نبود تا این‌که مهمان برنامه چهل‌تیکه شبکه نسیم شد و خیلی‌ها دوباره یادی از او و بازی‌های پخته‌اش در سریال‌های تلویزیون کردند و مهدی اخوان لنگرودی که شاید برخی از ما او را به اسم نشناسیم اما ترانه «گل یخ» را از او شنیده‌ایم. درگذشت کیانفر البته همزمان شده با پخش سریال پرطرفدار میوه ممنوعه با بازی او و نیز خیلی‌های دیگر با فیلم معروف هامون از او یاد کرده‌اند و آن دیالوگ معروفش که به حمید هامون با بازی مرحوم شکیبایی گفت: «تفنگ رو یادت رفت...» هامون بازها ماجرای تفنگ را خوب به یاد دارند و می‌دانند کیانفر با این دیالوگ به چه نکته‌ای اشاره کرده است.

مرحوم اخوان لنگرودی هم سال‌ها درگیر بیماری بود و در بیمارستانی در اتریش از جهان ما رخت بربست و در گورستانی در وین به خاك سپرده شد و شاید تا چند وقت دیگر هم او را فراموش کنیم اما مهم یادگاری‌های اوست برای ما شامل شعرها و داستان‌ها و ترجمه‌هایش.

هفته اول خرداد

دور از چشم کرونا

نه این‌که کرونا رفته باشد یا درمانی برای این درد جهانی یافته باشیم، فقط راه‌های همزیستی بدون خطر و محفوظ ماندن از این ویروس سمج را شناخته‌ایم و یاد گرفته‌ایم چطور دورش بزنیم. این شده که حالا هنرمندان خیلی نرم و آرام از سکون خارج شده و دارند کارهایی می‌کنند برای عرضه به مخاطبانشان و البته فعالیت‌های مجازی هم به قوت ادامه دارد تا آنجا که سه‌شنبه این هفته وزارت ارشاد بیانیه‌ای شامل شش بند صادر کرد که بر اساس آن برگزاری رویدادهای هنری در فضای مجازی را به قرار گرفتن در چارچوب‌های قانونی کشور و اخذ تاییدیه از این نهاد دولتی مشروط کرده است.

شنبه ۳ خرداد

سینما

بازهم دورهمی

این هفته با سر و صداهایی شروع شد که به حضور مسعود فراستی، در برنامه دورهمی ارتباط داشت و این ماجرا همچنان ادامه دارد.

دوشنبه ۵ خرداد

سینما

بازگشت به خانه پدری

دو تصویر به موازات هم در فضای مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود؛ عکسی از رومینا اشرفی یا اعلامیه ترحیم او که دوشنبه این هفته به دست پدرش به قتل رسید و عکس‌هایی از فیلم خانه پدری.

سه‌شنبه ۶ خرداد

سینما

پیشنهاد سینمایی سردار

اواسط هفته بود که پیشنهاد سینمایی حاج‌قاسم سلیمانی به چند کارگردان سینمای ایران مطرح شد و دیروز در صفحه ۱۱ درباره‌اش مفصل نوشتیم.

شنبه ۳ خرداد

موسیقی

عیدانه برومند

مرضیه برومند، کارگردان آثار نوستالژیک تلویزیون، به مناسبت عید سعید فطر یک موزیک ویدئو منتشر کرد. «شعر هستی» با همراهی گروهی از هنرمندان تهیه و به مردم ایران تقدیم شد.

چهارشنبه ۷ خرداد

موسیقی

چاوشی در حاشیه

ماجرای هفته پیش محسن چاوشی تازه آرام گرفته بود که دوباره در پایان این هفته نگاه‌ها به سوی او برگشت. جزئیاتش را اینجا بخوانید.

سه‌شنبه ۶ خرداد

تجسمی

اولین بار من بعد از کرونا

یکی از اولین برنامه‌های هنری که به صورت فیزیکی برگزار می‌شود نمایشگاه «اولین بار من» در گالری آس است که این هفته آغاز به کار کرده و تا ۲۰ تیر با رعایت پروتکل‌های بهداشتی ادامه خواهد داشت.

چهارشنبه ۷ خرداد

موسیقی

پیشنهاد کنسرت بهداشتی

مجمع صنفی تولیدکنندگان آثار شنیداری، به ستاد ملی مقابله با کرونا پیشنهاد کرد برگزاری کنسرت‌ها از سر گرفته شود، اما با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و البته مدیرعامل این مجمع جزئیات این پروتکل را هم اعلام کرد که باید دید با آن موافقت می‌شود یا نه.

چهره اول هفته، مسعود فراستی

مدیری نیز در کوزه افتاد!

مهران مدیری، شخصیت جذاب و کاریزماتیکی دارد و بلد است چطور با هر حضور نمکین مقتدرانه‌اش جلب توجه کند و خودی نشان دهد. این هم در کارگردانی‌اش بروز می‌کند، هم در بازیگری او دیده‌ایم و هم در مجریگری‌اش در دورهمی که به تنهایی میزبان و میداندار است. پربیراه نیست اگر بگوییم او حتی وقتی مهمان‌های چهره و سرشناسی دارد هم بیشتر نگاه حاضران در سالن و مخاطبان تلویزیونی را متوجه خود می‌کند، با کنایه‌ها، شوخ‌طبعی‌ها و مکث‌ها و نگاه‌هایی که امضای اوست. مدیری گاهی چنان بر مهمانش چیره می‌شود و او را به شکلی طنازانه در گوشه رینگ دورهمی گیر می‌اندازد که بنده خدا چاره‌ای جز تسلیم شدن و اعترافات خنده‌دار ندارد.

با این حال وقتی مدیری قصد دعوت از مسعود فراستی به برنامه دورهمی را داشت، خوب می‌دانست که اصلا کار راحتی پیش رو ندارد و احتمالا هم اشهد نمکینی خوانده باشد! چون فراستی به عنوان منتقدی رك و جسور و بی‌توجه به ملاحظات و تعارفات مرسوم نقد، با هیچ‌کس تعارف ندارد و چه وقتی میزبان است و چه وقتی به عنوان مهمان در برنامه‌ای حاضر می‌شود، تقریبا از پیش برنده بحث است و کم پیش می‌آید عرصه را به رقیب و هم‌صحبتش واگذار کند. فراستی در دورهمی، مدیری مجری و مقتدر را به حاشیه راند و خود میدان‌دار برنامه شد و ظاهرا هرچه خواست گفت و حتی از خجالت کمدی‌های ضعیف مدیری هم درآمد و ساخته سینمایی او، ساعت ۵ عصر را فاجعه خواند.

حضور فراستی البته حاشیه‌های زیادی هم همراه داشت و در این چند روز گذشته، منتقدان و سینماگرانی در مخالفت یا موافقت با شیوه نقد فراستی و حرف‌هایش در دورهمی، نوشتند و صحبت کردند.

چهره سوم هفته، علیرضا قربانی

کنسرت زنده رادیویی

بله، هفته قبل هم علیرضا قربانی چهره هفته بود اما چه می‌شود کرد وقتی این مرد نجیب موسیقی ایرانی این روزها چنین فعال شده و کارهایی درخور تحسین ارائه می‌کند. از سعدی‌خوانی هفته قبلش به همراه هنرمندان و نوازندگان ایتالیایی نوشتیم، از اجرای موسیقی آنلاین و رایگانش که به‌صورت زنده از رادیو فرهنگ هم پخش می‌شود، ننویسیم؟

همین امشب ساعت ۲۱ روی موج اف‌ام ردیف ۱۰۶ مگاهرتز در شبکه رادیویی فرهنگ می‌توانید روزگار غریب، بوی گیسو، عاشقانه نیست، پل، ارغوان، عشق آسان ندارد و مدار صفردرجه را زنده بشنوید. البته که این کنسرت از رسانه‌های دیگری مثل اینستاگرام هم به نمایش گذاشته می‌شود اما مشارکت رادیو فرهنگ در چنین رویدادهایی قابل اعتناست. این اولین بار نیست که رادیو فرهنگ با کنسرت‌های آنلاین عصر کرونا همراهی می‌کند، قبل از قربانی، این شبکه رادیویی کنسرت سامان احتشامی را هم پوشش داده بود.

تجدید چاپ هفته؛ خال سیاه عربی و شازده کوچولو

داستان دو مسافر

در این هفته دو کتاب از دو جهان متفاوت که البته هر دو سفرنامه هستند و برای ما جام جمی‌ها ارزشمند، تجدید چاپ شدند و از قضا هر دو کتاب را انتشارات امیرکبیر منتشر کرده که آنجا هم دوستانی داریم. نه این‌که تصور کنید به خاطر دوستانمان است که این سطور را می‌نویسم، نه. اگر شازده‌کوچولو را خوانده باشید یا همین‌طور خال سیاه عربی را نظرتان عوض می‌شود.

خال سیاه عربی سفرنامه حج است به قلم حامد عسکری که هم قصه دارد و هم مستنداتی درباره سفر حج و سرزمین عربستان. کتاب را که دست بگیرید، می‌روید تا پایانش که ببینید حامد عسکری کوچك با آن همه سوالش درباره خدا به چه جواب‌هایی می‌رسد و تا رسیدن به خانه خدا چه تجربه‌هایی از سر می‌گذراند. این کتاب در کمتر از دو ماه به چاپ پنجم رسیده و ما هم با نویسنده گفت‌وگویی کرده‌ایم که در همین صفحه ۱۰ امروزمان منتشر شده است. شازده‌کوچولو هم معرف حضور همه است؛ پسرکی با سوال‌های بسیار که همراه با پرنده‌های مهاجر از اخترکش سفری طولانی را آغاز می‌کند. ترجمه محمد قاضی از این کتاب در انتشارات امیرکبیر به چاپ شصت و نهم رسیده و این را هم باید در نظر داشت که تقریبا بیشتر مترجمان نامدار کشورمان، ترجمه‌ای از این کتاب ارائه کرده‌اند.